



گفت‌وگو با دکتر «هادی حق شناس»، کارشناس اقتصادی

اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم

موضوع برنامه را خیلی جدی نگرفته‌ایم و مهم‌تر از آن قوانین را جدی نگرفته‌ایم. وجود قوانین کامل و جامعی که منجر به این شود که همه کسانی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به شکلی وضعیت آینده را پیش‌بینی کنند. یک نکته کلیدی این است که به معنای واقعی، نگاه به گذشته نداریم، از اطلاعات گذشته به‌درستی استفاده نمی‌کنیم و گرنه برنامه‌های کوتاه‌مدت میان‌مدت و بلندمدت ما واقع‌بینانه بود. باید عدم موفقیت برنامه‌ها، آسیب‌شناسی شود و گرنه باز هم برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را با شاخص‌های ایده‌آل تدوین خواهیم کرد.

مهم‌ترین اشتباه این است که ما اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم و نه رقابتی. اقتصاد ایران نمی‌تواند جدا از اقتصاد جهان باشد، این را باید به‌عنوان یک اصل بپذیریم. اصلی‌ترین موضوع این است که در کشور ما نظام حزبی وجود ندارد و نظام ما جریانی است و همین نقطه اول اشکال کار در نظام سیاسی و اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور است. اگر به اصلاحات ساختاری اعتقاد داریم، اولین گام استقلال بانک مرکزی است. کشور ما تقریباً جزو معدود کشورهایی در جهان است که در چهل سال گذشته، چهار سال تورم یک‌رقمی و ۳۶ سال تورم دورقمی را تجربه کرده است؛ چون پول، متناسب با ظرفیت نرخ رشد اقتصادی چاپ نشده است.

شرح کامل گفت‌وگو با دکتر هادی حق شناس را در ادامه مطالعه کنیم.



◆ شما چه تحلیلی از انتظار توسعه در شرایط کنونی ایران دارید؟

توسعه واژه یک‌بعدی نیست، بلکه یک واژه چندبعدی است. وقتی که صحبت از توسعه می‌شود، همه فکر می‌کنیم که توسعه یعنی افزایش؛ برای مثال، افزایش در اشتغال، رفاه، تولید و این‌گونه مسائل در ذهنمان تداعی می‌شود، درحالی‌که توسعه مقدماتی دارد که اگر آن‌ها فراهم نشود طبیعتاً ما نمی‌توانیم از ثمره توسعه بهره ببریم. مهم‌ترین موضوع زیرساختی توسعه نرم‌افزار است منظور از نرم‌افزار یعنی وجود قوانین کامل و جامعی که منجر به این شود که همه کسانی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند، بتوانند به شکلی وضعیت آینده را پیش‌بینی نمایند، به عبارتی ثبات قوانین وجود داشته باشد؛ به‌عنوان مثال در حال حاضر یا شش ماه دیگر قیمت ارز کم یا زیاد می‌شود؟ بخشی از این مسئله که قیمت ارز یک‌دفعه جهش پیدا می‌کند، ناشی از متغیرهای کلان پولی است، اما بخشی از آن ناشی از پیش‌بینی این موضوع است که روابط اقتصادی ما با کشورهای همسایه در دنیا چه شکلی پیدا می‌کند و در چه چارچوبی است. به عبارتی مسائل زیادی بایستی تحقق پیدا کند تا بگوییم توسعه امکان‌پذیر است که مهم‌ترین آن در بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی است. آیا درس خواندن دانش‌آموز یا دانشجو در کشور ما متناسب با نیاز توسعه است یا خیر؟ اخیراً مطرح شده که در چند سال اخیر در کشور پزشک عمومی کم گرفته شده است و این موضوع بایستی ظرف چند سال آینده جبران شود! آیا این موضوع پنج سال پیش قابل پیش‌بینی نبود؟ حتماً باید امروز اتفاق می‌افتاد تا ما یک‌دفعه تصمیم بگیریم که از سال آینده سالی ۲۰ درصد ظرفیت دانشگاه علوم پزشکی زیاد شود؟ اگر کشور در مدار توسعه بود، منتظر نمی‌ماند که حتماً اتفاقی در مسکن، برق، گاز و ... بیفتد و بعد تصمیم به برنامه‌ریزی بگیرد. در مجموع پیش‌بینی در بخش نرم‌افزاری کشور یعنی قوانین؛ برای مثال قانون برنامه پنج‌ساله، قانون بودجه سنواتی و غیره ضروری است. هرگاه توانستیم قوانین پنج‌ساله را به‌درستی اجرا کنیم، گام اول را برای توسعه برداشته‌ایم. در کشور ما هیچ‌یک از شش برنامه توسعه پنج‌ساله به اهداف خود نرسیده است و تازه نکته جالب و طنز تلخ آن این است که وقتی برنامه پنج‌ساله ششم تمام شد، تصمیم به تمدید تا یک سال آن را گرفتند! یک سال چه چیزی را تمدید می‌کنید، کدام شاخص را تمدید می‌کنید؟ ما در کشور موضوع برنامه را خیلی

جدی نگرفته‌ایم و مهم‌تر از موضوع برنامه، قوانین را جدی نگرفته‌ایم. مرتب قانون تصویب می‌کنیم و بعد اگر اجرا نشد کسی نیز مواخذه نمی‌شود. در این شرایط بحث کردن در مورد توسعه معنی ندارد. راهکار اساسی این است که باید یک آسیب‌شناسی جدی در مورد اینکه چرا برنامه‌ها اجرا نمی‌شوند، داشته باشیم و بعد به فکر برنامه‌ریزی برای توسعه باشیم.

◆ در تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه در واقع با نگاه به گذشته هدف‌گذاری می‌کنیم. اگر گذشته چراغ راه آینده است، چرا آینده را درست نمی‌بینیم؟

نکته کلیدی همین‌جاست، ما به معنای واقعی نگاه به گذشته نداریم، اگر نگاه ما به گذشته بود با وجود تنظیم شش برنامه پنج‌ساله‌ای که در هیچ‌کدام به هیچ‌یک از اهداف شاخص کل برای مثال نرخ رشد هشت درصدی، نرخ رشد نقدینگی ۲۰ درصد، نرخ تورم یک‌رقمی و نرخ بیکاری یک‌رقمی نرسیده‌ایم، بلافاصله در تنظیم برنامه هفتم، همه این موارد را پیش‌بینی نمی‌کردیم! جالب است توجه کنید در بودجه سال ۱۴۰۱ دولت پیش‌بینی کرده است که رشد اقتصادی هشت درصد باشد، وقتی که در کل دهه ۹۰، میانگین رشد اقتصادی ما نزدیک به یک درصد است چه اتفاقی باید بیفتد که ما در سال آینده به نرخ اقتصادی هشت درصد برسیم؟! البته ممکن است با رفع تحریم‌ها به این عدد برسیم، اما با روال طبیعی این عدد دور از دسترس است. چرا هدف‌گذاری به این شکل می‌شود؟ چون نگاه به گذشته نداریم و از اطلاعات گذشته به‌درستی استفاده نمی‌کنیم. اگر از اطلاعات گذشته به‌درستی استفاده می‌کردیم برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ما واقع‌بینانه بود. در مجموع در کشور چه در عده‌های کلان اقتصادی و چه در

- کشور ما تقریباً
- جزء معدود
- کشورهایی در
- جهان است که در
- ۴۰ سال گذشته،
- چهار سال
- تورم یک‌رقمی
- و ۳۶ سال تورم
- دورقمی را تجربه
- کرده است! چرا؟
- چون متناسب با
- ظرفیت نرخ رشد
- اقتصادی، پول
- چاپ نشده است
- بلکه بر اساس
- اینکه دولت یا
- مجلس تکلیف
- کرده‌اند، عمل
- کرده‌ایم. برای مثال
- تکلیف کردند که
- افزایش فلان
- مستمری انجام
- گیرد و چون دولت
- منابع نداشته،
- سراغ استقراض از
- بانک رفته است!



بخش صنعت، اصلاً با نگاه به گذشته هدف‌گذاری انجام نشده است.

♦♦ اصولاً تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه کشور نیازمند چه تغییر و تحول ریشه‌ای است؟

مهم‌ترین تغییر لازم این است که ببینیم چرا شش برنامه پنج‌ساله در ایران در دولت‌های مختلف موفقیت‌آمیز نبوده است. اگرچه برنامه سوم نسبت به بقیه تحقق یافته و بیشتر دستاورد داشته است، ولی در مجموع باید دلیل عدم موفقیت این برنامه‌ها بررسی و به‌درستی آسیب‌شناسی شود که کدام یک از عوامل خارجی، داخلی، دولت‌ها و مدیران مقصر بوده‌اند یا اینکه برنامه غلط طراحی شده است یا خیر؟ تا زمانی هم آسیب‌شناسی جدی صورت نگیرد، باز هم برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه را با شاخص‌های ایده‌آل تدوین خواهیم کرد و طبیعی است که راه به‌جایی نمی‌بریم.

♦♦ به نظر شما مهم‌ترین اشتباهات و دام‌های تصمیم‌گیری در حوزه اقتصاد کشور چیست؟

مهم‌ترین اشتباه این است که ما اقتصاد را ایزوله کرده‌ایم، اقتصاد ایران را رقابتی نکرده‌ایم. تا زمانی که اقتصاد ایران رقابتی نشود نمی‌توان انتظار داشت که محصول این اقتصاد همانند محصول بقیه اقتصادهای دنیا باشد. به‌عنوان مثال خودروی ایران چرا هم‌سطح خودروی جهان نیست؟ چون خودروساز ایرانی با هیچ خودروسازی در جهان رقابت نمی‌کند! همین موضوع در بخش مسکن صادق است، اینکه چرا مسکن در کشور ما کیفیت مناسبی ندارد؟! چرا صنعت فولاد ما کیفیت مناسب ندارد؟ تنها راه جبران این اشتباه این است که ما رقابتی تولید کنیم. یک مثال ساده قابل‌ذکر این است که از زمانی که نانوایی‌های پخت آزاد وارد بازار شده‌اند، نانوایی‌های سنتی کیفیت کارشان بهتر شد. دلیل آن این است که مردم اگر ببینند نان سنتی کیفیت خوبی ندارد، نان آزاد خریداری می‌کنند. یا از زمانی که بانک‌های خصوصی وارد کار شده‌اند، رفتار بانک‌های دولتی بهتر شد. چون مردم این اختیار را دارند که پول خود را در بانک خصوصی سرمایه‌گذاری کنند. لذا رقابت است که می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. اقتصاد ایران رقابتی نیست به دلیل اینکه هم دولتی است هم نسبتاً بسته است. چرا محصولاتی که ما در داخل کشور تولید می‌کنیم بازار جهانی را فتح نمی‌کنند؟ چون در کیفیت، بسته‌بندی و بازاریابی دچار مشکل هستیم. محصولات کشاورزان ترکیه

با محصولات کشاورزان در ایران در بخش ابتدایی تولید شاید تفاوت زیادی نداشته باشند، اما در مرحله بازاریابی، بسته‌بندی و صادرات و نظام بانکی و حمایت‌هایی که از تولیدکنندگان صورت می‌گیرد، بسیار متفاوت هستند.

♦♦ در کل کشورمان در مسیر رسیدن به بلوغ اقتصادی چه اتفاقاتی را باید رقم بزنند؟

راهکار این است که در کشور هر کسی در جای خودش قرار بگیرد. اصلی‌ترین موضوع ما این است که در کشور ما نظام حزبی وجود ندارد و نظام ما جریانی است، چه جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا چه جریان اعتدال‌گرا و در هر مقطع حاکمیت پاسخگوی عملکرد آن مقطع به‌عنوان یک حزب نیست، بلکه جریانی دفاع می‌کند. راه‌حل این است زمانی که یک دولت حاکم می‌شود، پاسخگو باشد، نه اینکه عدم موفقیت‌های خود را گردن جریان‌های مقابل یا بالعکس بیندازد. برای رسیدن به بلوغ اقتصادی و توسعه؛ ابتدا باید هم دولت و هم مجلس به‌عنوان نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی که هر دو در بخش سیاسی کشور هستند پاسخگوی تصمیمات خود باشند، چه زمانی که خودشان تصمیم می‌گیرند و چه آن مقطعی که تصمیم می‌سازند و این مسئله در قالب احزاب قابل پیگیری است. واقعیت این است که عموم کسانی که در ایران رئیس‌جمهور شده‌اند افتخارشان این است که بگویند ما متعلق به هیچ جریان یا جناح یا وامدار هیچ‌کس نیستیم و همین نقطه اول اشکال کار در نظام سیاسی و اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور است.

♦♦ در جهان کشورهایی هستند که عبور از بحران را تجربه کرده‌اند و امروز جزو کشورهای پیشرفته یا حداقل در عداد اقتصادهای نوظهور هستند، در یک جمع‌بندی عوامل اصلی نجات آن‌ها از بحران و رسیدن به جایگاهی که در اقتصاد امروز جهان دارند چیست؟

به‌طور مشخص می‌توان از تجارب کشورهای ژاپن، کره جنوبی، ویتنام (که در جنگ با آمریکا دو میلیون کشته داد) و بالاخره در یک مقطعی حتی کشور چین (کشوری که سه دهه چراغ خاموش به سراغ توسعه رفت و حتی اساسنامه حزب کمونیسم را تغییر داد و اصل سرمایه‌داری را پذیرفت) بهره برد، منتهی شرط آن این است که در ابتدا مشکل را بپذیریم. تا زمانی که من یک دیدگاه، دیگران دیدگاه دیگری داشته باشند و اصل مشکل را نپذیریم طبیعی است که به راه‌حل واحدی نخواهیم رسید. مبنای این است که اقتصاد ایران نمی‌تواند جدا

مابه‌معنای واقعی

نگاه به گذشته

نداریم، اگر نگاه ما

به گذشته بود با

وجود تنظیم‌شش

برنامه پنج‌ساله‌ای

که در هیچ‌کدام به

هیچ‌یک از اهداف

شاخص کل برای

مثال نرخ رشد

هشت‌درصدی،

نرخ رشد نقدینگی

۲۰ درصد، نرخ تورم

یک‌رقمی و نرخ

بیکاری یک‌رقمی

نرسیده‌ایم،

بلافاصله در

تنظیم برنامه

هفتم، همه این

موارد را پیش‌بینی

نمی‌کردیم! جالب

است توجه کنید در

یودجه سال ۱۴۰۱

دولت پیش‌بینی

کرده است که رشد

اقتصادی هشت

درصد باشد،

وقتی که در کل دهه

۹۰، میانگین رشد

اقتصادی مانزدیک

به یک درصد

است چه اتفاقی

باید بیفتد که مادر

سال آینده به نرخ

اقتصادی هشت

درصد برسیم؟!

تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. در اقتصاد ایران نیز لازم است که سازوکارهای علمی و اقتصادی را به کار گیریم. کشور ما تقریباً جزء معدود کشورهایی در جهان است که در ۴۰ سال گذشته، چهار سال تورم یک‌رقمی و ۳۶ سال تورم دورقمی را تجربه کرده است! چرا؟ چون متناسب با ظرفیت نرخ رشد اقتصادی، پول چاپ نشده است بلکه بر اساس اینکه دولت یا مجلس تکلیف کرده‌اند، عمل کردیم. برای مثال تکلیف کردند که افزایش فلان مستمری انجام گیرد و چون دولت منابع نداشته، سراغ استقراض از بانک رفته است! دولت تکلیف کرده فلان محصول با قیمت تضمینی خریداری شود و به دلیل عدم وجود منابع، به سراغ استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی رفته است، یا در مسکن مهر چون منابع وجود نداشته است، سراغ استقراض از بانک رفته و ... همه این موارد دلایلی برای افزایش رشته نقدینگی و افزایش نرخ تورم است و در نتیجه نرخ بهره متناسب با این تغییرات رشد نکرده و شاخص‌ها به هم ریخته است. اگر به اصلاحات ساختاری اعتقاد داریم و قرار است در ایران این اصلاحات صورت بگیرد اولین گام، استقلال بانک مرکزی است. درست است که رئیس بانک مرکزی را دولت و مجلس می‌تواند تعیین کنند، اما در تصمیمات آن دولت و مجلس حق مداخله ندارند. اگر این استقلال حفظ شود شاید گام مهمی برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران برداشته شود و در آن صورت است که می‌توان به سراغ گام دوم یعنی اصلاح سیاست‌های مالی در سیاست‌های بودجه رفت و بودجه واقعی تصویب کرد و در ادامه پروژه‌های عمرانی واقعی و ... شکل گیرد.

♦ ♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان نمایید. اقتصاد ایران را نمی‌شود به شکل یک پروژه در نظر گرفت و گفت مثلاً اگر مشکل مسکن را حل کنیم، مشکل اقتصاد حل می‌شود. مشکل خودرو حل می‌شود یا اگر قیمت بنزین یا قیمت نان را واقعی کنیم، مشکل اقتصاد حل می‌شود. اقتصاد ایران را باید به شکل یک بسته در نظر گرفت یک بسته سیاستی و همه مسائل را با هم در یک برنامه دید، در آن صورت است که می‌توان امیدوار بود که به ریل توسعه برگردیم. می‌توان گفت در حال حاضر وضعیت اقتصاد ایران شبیه یک انسانی که دچار بیماری‌های مختلف است و پزشک برای مثال فقط مشکل ارتوپدی آن را حل می‌کند یا کار زیبایی برای او انجام می‌دهد، درحالی‌که این بیمار جهت درمان نیاز به برنامه جامع دارد، اقتصاد ایران هم به همین شکل است. ♦ ♦

از اقتصاد جهان باشد، این مسئله‌ای است که باید آن را به‌عنوان یک اصل بپذیریم. چطور قبول داریم که امروز تحریم‌ها به اقتصاد ایران ضربه زده‌اند، ترامپ صادرات نفت ایران را به حداقل رسانده و مواردی از این دست. بالاخره اقتصاد ایران نمی‌تواند تافته جدا بافته از دنیا باشد. اگر این مسئله را بپذیریم آن وقت می‌توانیم به یک راه‌حل مشخص و مشترک هم برسیم. خیلی از ما هنوز بر سر اینکه مسئله کشورمان چیست، اختلاف‌نظر داریم. درست است که در حال حاضر بخشی از مسئله کشور تحریم است، نه اینکه کل مشکل ما تحریم است، خیر. ما در دهه دوم، سوم و چهارم به اندازه دهه نود تحریم نداشتیم، در صورتی‌که در آن مقاطع هم دچار مشکل بودیم؛ بنابراین علاوه بر موضوع تحریم به‌عنوان یک بخش، سوء تدبیرهای داخل کشور، عدم اجرای قوانین و برنامه‌ها و ... نیز بخش دیگری از مشکلات هستند و راهکار و شرط لازم این است که آن‌ها را بپذیریم و سپس سراغ ارائه راهکار برویم.

♦ ♦ اصلاحات ساختاری اقتصاد کشور ضرورت مورد تأکید حکمرانی، کارشناسان و فعالان اقتصادی است، واقعاً دیگر چقدر مجال سعی و خطا وجود دارد، این سؤال مطرح است که تدوین اصلاحات ساختاری تا چه حد مربوط به سیاست‌گذاری و تا چه حد بر عهده تلاش کارشناسان و اساتید اقتصاد است؟

منظور از اصلاحات ساختاری این است که واقعیت‌های اقتصاد را بپذیریم. نمی‌شود که نرخ تورم ۴۰ درصد باشد بعد به بانک‌ها بگوییم که نرخ سود بانکی برای مثال معادل یک‌سوم باشد. امروز اگر کشور ترکیه را در نظر بگیریم. رئیس‌جمهور این کشور (رجب طیب اردوغان) در نرخ بهره دست‌کاری کرد و گفت نرخ بهره زبوی است و باید کمتر شود. بر اساس این تصمیم، نرخ بهره در ترکیه تا ۱۵ درصد کاهش یافت و نرخ تورم بیشتر از نرخ بهره شد و اتفاقی که افتاد ارزش لیر در طی یک سال (از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱) بیش از ۶۰ درصد کاهش پیدا کرد. تردیدی در این مسئله که نرخ بالای سود، حرام است، وجود ندارد باید با سازوکار علمی به سراغ کاهش سود رفت نه اینکه براساس تصمیم یک نفر چنین برنامه‌ای اجر شود، آقای اردوغان در ترکیه بدون در نظر گرفتن سازوکار علمی و اقتصادی دستور کاهش نرخ سود را داده است و امروز تورم در ترکیه به بالای ۳۰ درصد رسید و هیچ‌کدام از شاخص‌های پولی اصلاح نگردید. اگر به اقتصاد ایران برگردیم باز هم از این دست

تازمانی که اقتصاد ایران رقابتی نشود نمی‌توان انتظار داشت که محصول این اقتصاد همانند محصول بقیه اقتصادهای دنیا باشد. به‌عنوان مثال خودروی ایران چرا هم سطح خودروی جهان نیست؟ چون خودرو ساز ایرانی با هیچ خودرو سازی در جهان رقابت نمی‌کند! همین موضوع در بخش مسکن صادق است، اینکه چرا مسکن در کشور ما کیفیت مناسبی ندارد؟ چرا صنعت فولاد ما کیفیت مناسب ندارد؟ تنه‌اره جبران این اشتباه این است که ما رقابتی تولید کنیم.